اعتصاب غذا در در دانشگاهها در اعتراض به سرکوب و بازداشت دانشجویان

اعتصاب غذای دانشجویان که با اعتصاب غذای تعدادی از اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اصفهان و علوم پزشکی، آغاز شده بود در دانشگاههای دیگر ادامه دارد.

دانشجویان در اصفهان خواستار آزادی دانشجویان بازداشت شده و برخورد قاطع با گروه‌های فشار شده بودند. آنها پس از ۸ روز اعتصاب غذا در روز ۹ تیر با جمعی از دانشجوان و استادان در محل سکونت آیت‌الله طاهری حضور پیدا کرده و به اعتصاب غذای خود پایان دادند.

قبل از آن آیت‌الله طاهری در محل اعتصاب غذا حضور یافته بود در اطلاعیه پایانی اعتصاب غذا پس از اعلام پایان آن آمده است شورای مرکزی انجمن وظیفه خود می‌داند که این حرکت را تا حصول نتیجه پیگیری نماید و در این راه قاطعانه اعلام می‌دارد که در صورت بروز هر گونه تهدید، ارعاب و احضار از سوی مراکز قانونی و شبه‌قانونی برای هر کدام از اعضای متحصن این حرکت با ابعاد گسترده‌تر و با حضور کلیه اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاههای اصفهان و علوم پزشکی انجام خواهد شد. ضمنا به اطلاع می‌رساند که بیانیه تحلیلی اعضای متحصن و شورای مرکزی در خصوص این حرکت بزودی منتشر خواهد شد.

پس از اعتصاب غذا در اصفهان دانشجویان چند تن از دانشجویان دانشگاه مشهد و علامه طباطبایی اعلام اعتصاب غذا کردند.

اعتصاب غذای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی

در اعلامیه دانشجویان علامه طباطبایی آمده است: اکنون که حاکمیت اقتدارگرا فاز سرکوب اعتراضات دانشجویی را در دستور کار خود قرار داده و همه راه‌های مدنی را برای بیان مطالبات بسته ما به عنوان بخشی از جنبش دانشجویی در اعتراض به اقدامات اخیر راه اعتصاب غذا و تحصن را برگزیدیم تا وجدان خفتگان را به بیداری فرا خوانیم. فریاد اعتراضمان که توانست گوشهای حاکمان را به شنیدن وادارد شاید سکوتمان بتواند انزجار و نفرتمان را از عملکرد استبداد به اقتدارگرایان بنمایاند. این اعتصاب اعتراض‌آمیز تا حصول خواستهایمان ادامه خواهد یافت.

لازم به ذکر است در صورت عدم پاسخگویی مقام‌های مسئول جامعه بین‌المللی را مخاطب قرار خواهیم داد.

برای نخستین گام: خواسته ما آزادی دانشجویان دربند عبدالله مومنی، مجتبی نجفی، مهدی امینی‌زاده، مرتضی صفایی زندهباد آزادی، زندهباد دموکراسی، زندهباد مردم ایران

در اعلامیه دوم دانشجویان خواستهای خود را بشرح زیر اعلام کردند:

۱ - آزادی بدون قید و شرط کلیه دانشجویان در بند خصوصا بازداشت‌شدگان وقایع اخیر

۲ - برخورد با عاملین و آمرین جنایت ۲۴ خرداد طرشت

۳ - صدور مجوز برای برگزاری مراسم سراسری به مناسبت سالگرد فاجعه ۱۸ تیر ۷۸

دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی و شهید رجایی پس از ۵ روز اعتصاب غذا بیانیه‌ای انتشار دادند. در این بیانیه آمده است:

سعی ما براین است آنچه در این پنج روز برای ما اتفاق افتاده است را با صدایی رسا و بلند و شفاف و دور از هرگونه لفافه‌گویی با شما در میان بگذاریم. آنچه در این پنج روز اتفاق افتاد بیش از تحمل و ظرفیت فرزندان شما بود که در دانشگاهها تحصن کرده بودند. از همان اولین روزها و ساعتهای شکل‌گیری این تحصن که بصورت اعتصاب غذا متبلور شده بود فشارها و تهدیدها از سوی ارگانهای مختلف نظام و حکومت که خود را دموکراتیک و به اصطلاح مردم‌سالار می‌نامند آغاز گردید. این فضا از محاصره‌شدن اطراف دانشگاه توسط نیروهای اطلاعاتی و لباس‌شخصی. تهدیدهای تلفنی توسط افراد ناشناس، بستن تمامی دربهای دانشگاه پایین‌آوردن تمامی پلاکاردها و شعارها. اطلاعیه‌ها و عکسها از در و دیوار دانشگاه و حتی در اقدامی بسیار مشکوک تلفن‌زدن به منزل دانشجویان و تهدیدهای تلفنی که به خانواده‌های دانشجویان شد و تمامی اقداماتی نظیر این موجب گردید که علاوه بر ضعف جسمانی مفرط که در روزهای تحصن بر دانشجویان مسطولی می‌گردید. ضعف روحی شدیدی نیز بر دانشجویان متحصن غالب گردد. اما آنچه‌که در آخرین شب تحصن اتفاق افتاد باعث گردید تا دانشجویان برای ادامه راهی که برای آینده در پیش رو دارند تحصن خود را متوقف سازند.

در آخرین شب تحصن حضور بیش از حد و انتظار نیروهای اطلاعاتی در اطراف دانشگاه و تهدیدهای بیش از حد و غیر متعارف که از طرف مسئولین رسمی و غیر رسمی انجام می‌گردید باعث شد تا دانشجویان انتظار برخورد شدیدی را با خود با توجه به نزدیکی سالگرد ۱۸ تیر ماه احساس کنند. ترس ما از این بودکه نیروهای امنیتی، اطلاعاتی و قضائی که با تعطیل‌کردن دانشگاهها و به تعویق انداختن زمان امتحانات و تعطیل‌کردن خوابگاههای دانشجویی توانسته بودند جنبش دانشجویی را در آستانه ۱۸ تیرماه و در پی حوادث اخیر و خصوصا حمله به خوابگاه طرشت و بازداشت و زندانی‌کردن فعالان دانشجویی در نفاط نامعلوم، خاموش نمایند. حال در چند روز باقیمانده به ۱۸ تیرماه به هر نیرو و قوت و قدرت و قوه‌ای متوصل شوند تا آخرین پایگاه جنبش دانشجویی راکه به صورت اعتصاب غذا دست به اعتراض زده بودند نیز خاموش نمایند. این امر با توجه به اعلام مسئولان امنیتی مبنی بر صادرشدن حکم بازداشت برای تمامی دانشجویان متحصن توسط همان کسانی که سایر فعالین دانشجویی را در هفته‌های اخیر بازداشت کرده بودند بصورتی جدی احساس شد. ما جوانان دانشجو که با اعتصاب غذا و نشستن در دانشگاه دست از تمامی بهره‌های مادی برداشته بودیم احساس کردیم که دستگیری و بازداشت ما نه تنها گره‌ای از مشکلات رو به فزونی جامعه و جنبش دانشجویی با حاکمان بر نخواهد داشت بلکه کورسوهایی که در این روزگار خفقان اندک روشنایی نیز ایجاد نموده‌اند به خاموشی گراییده و ما مشکلی بر مشکلات جنبش دانشجویی و جامعه نگران حال دانشجویا بیفزاییم.

اکنون ضرورت تذکر این نکته‌که هیچکدام از نمایندگان مجلس که در روزهای اخیر با ما ملاقات داشته‌اند نتوانسته‌اند قول مساعدی به خواسته‌های ما بدهند و آینده‌ای تاریک و خفقان‌آوری که برای ماههای آینده در پیش است، ذره‌ای امیدوارکننده نشان دهند، باعث گردید با توجه به توضیحات بالا ما دانشجویان متحصن در حال حاضر دست از اعتصاب غذا برداشته و به تحصن خود پایان دهیم. ما در پایان بیانیه خود هیچ نتیجه‌گیری نخواهیم کرد و نتیجه‌گیری از آن چه که برای ما رخ داده است و قضاوت میان ما دانشجویان و حاکمان و دولتمردان خندان که ادعای مردم‌سالاری، دموکراسی، عدل اسلامی و عدالت علی می‌نمایند را به شما محول می‌نماییم. ما به عنوان بخشی از جنبش دانشجویی که همواره حامی و پشتیبان خواسته‌های ملت بوده است، قول خواهیم داد که در آینده نیز چنین رویه‌ای را به عنوان فرزندان ملت ایران ادامه دهیم.

انجمن اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی و شهید رجایی

اعتصاب غذای دانشجویان در دانشگاه مشهد

دوازده تن از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در اعتراض به دستگیری‌ها، اعتصاب غذای خود را آغاز کردند. آنها در محل تجمع پلاکارد ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر مبنی بر این که هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد را، نصب کردند و اعلام کرده‌اند به تجمع خود تا آزادی کامل دانشجویان دستگیر شده در رویدادهای اخیر ادامه خواهند داد.

در دومین بیانیه آنها آمده است: به اطلاع تمامی دانشجویان و هموطنان عزیز در سرتاسر جهان می‌رسانیم، ما دانشجویان شرکت‌کننده در اعتصاب غذای صنفی سیاسی دانشگاه مشهد به همه خانواده‌هایی که عزیزان خود را از تاریخ ۱۸ تیر ۷۸ در پشت میله‌های زندان دیده‌اند، اطمینان می‌دهیم، هدف ما آزادی تمام دانشجویان، بالاخص دانشجویان سیاسی در بند است و تا رسیدن این خانواده‌ها به دلبندان خود و آزادی آنان، به اعتصابمان ادامه می‌دهیم.

همزمان با برگزاری این تجمع سیاسی، جمعی دیگر از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد با تحصن در مقابل سازمان مرکزی این دانشگاه، نسبت به عدم‌لغو امتحانات نیمسال دوم به رغم جو متشنج خوابگاه‌ها و عدم امنیت روانی دانشجویان به خاطر احتمال حمله نیروهای انصار، اعتراض نمودند. این دانشجویان که نماینده‌بیش از ۲۰۰ نفر از دانشجویان خوابگاه فجر مشهد بودند با در اختیارداشتن طومارهای اعتراضی، خواهان برگزاری مجدد امتحانات در این دانشگاه شدند.

دانشجویان متحصن در دانشگاه مشهد در گفتگو با خبرنگار امیرکبیر گفتند: در حالی که دوستان ما در دیگر دانشگاه‌ها را شبانه کتک می‌زدند و هر لحظه احتمال هجوم چماقداران به خوابگاه دانشگاه مشهد نیز وجود داشت. چگونه می‌توانستیم درس بخوانیم؟!

اعتصاب غذا در دانشگاه صنعتی خواجه‌نصیرالدین طوسی

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه خواجه‌نصیر نیز با اعلام اعتصاب غذایی خواستهای خود را به این شرح اعلام کردند:

۱ - آزادی هر چه سریعتر عبدالله مومنی، مهدی امین‌زاده، روزبه شفیعی، محمد فرقدانی، احمد یزدان‌نجات، هانی ابوالفضلی، مجتبی نجفی، مرتضی صفائی، مهدی پوررحیم و سایر دانشجویان دربند در سراسر کشور.

۲ - محاکمه آمرین و عاملین جنایت خوابگاه طرشت دانشگاه علامه.

۳ - صدور مجوز برای مراسم بزرگداشت ۱۸ تیر.

۴ - استیضاح مصطفی معین وزیر علوم و تحقیقات به علت اتخاذ مواضع مرعوبانه، منفعلانه و غیر مسئولانه وی و وز ارتخانه متبوعش در قبال حوادث اخیر.

مجوز راهپیمایی بیرون از دانشگاه داده نمی‌شود

مدیرکل سیاسی ـ انتظامی استانداری تهران با اشاره به جلسه شورای تامین استان اعلام کرد: برای تجمع و راهپیمایی در بیرون از دانشگاه‌ها در چند روز آینده، مجوز داده نمی‌شود.

علی تعالی با بیان این که بررسی مجوز داخل دانشگاه‌ها بر عهده هیات‌های نظارت بر تشکل‌های دانشجویی است، افزود: البته ممکن است که نظر استانداری را بخواهند و بعید می‌دانم که در همه دانشگاه‌ها مجوز بدهند؛ احتمال دارد که مجوزهای محدودی صادر شود.

در همین حال معاون دانشجویی وزیر علوم از امکان برگزاری مراسم ۱۸ تیر در روز ۱۷ تیر خبر داد. غلامرضا ظریفیان در گفتگو با خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران با تاکید بر اینکه صدور مجوز برگزاری مراسم ۱۸ تیر، مطابق روال معمول بر ساز و کارهای آیین‌نامه‌ای درون‌دانشگاهی استوار است، گفت: در شرایط فعلی بنا شده است نظر شورای تامین استان هم لحاظ شود. وی با بیان اینکه در حال حاضر انجمن اسلامی دانشجویان و بسیج دانشجویی دانشگاه تهران و علوم پزشکی، صدور مجوز برای برگزاری مراسم ۱۸ تیر را خواستار هستند، گفت: موضوع را مورد بررسی قرار دادیم. نظر شورای تامین استان را پرسیدیم و ویژگی‌های برگزاری جلسه را به دانشگاه تهران اعلام کردیم که قرار شده، ظرف امروز و فردا تصمیم بگیرند.

جدایی از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

برای تقویت صف مستقل جنبش سبز

بدرود با فدائیان خلق

روز نوزدهم بهمن ماه ۱۳۸۱، روز بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق ایران، پس از بیش از سی سال نبرد در سنگر فدائی، تصمیم گرفتم‌به دلیل تفاوت در جهانبینی و نگرش سیاسی، نیز به دلیل ضرورت استقلال صف سیاسی جنبش سبز، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و جنبش چپ سرخ را ترک کنم. این جدایی انشعاب نیست. انشعاب در مفهوم رایج آن جداشدن یا هدف شعبه‌زدن در چارچوب همان جنبش و جریان است. گاه برای مصادره و یا تملک نام و میراث آن جنبش و معمولا با ادعای اصالت یا حقانیت بیشتر نسبت به دیگر مدعیان. من چنین ادعایی ندارم. جدایی من از کلیت جنبش فدائی است، با هدف تقویت جنبش سبز. جنبشی که تاریخ و تفکری متفاوت با جنبش سرخ دارد.

تصمیم به جدایی را روز ۲۷ فوریه در جلسه شورای مرکزی سازمان در شهر بن اعلام کردم و در گفتار کوتاهی که مفصل آن را در نوشته‌ای با نام جهانبینی و نگرش سیاسی جنبش سبز می‌توان خواند دلایل بیرون آمدن از سازمان را بیان داشته‌ام. جدایی با نهایت تدبیراندیشی برای جلوگیری از آسیب‌رسیدن به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، و با مهر و دوستی و خیرخواهی متقابل انجام گرفته است. در همان جلسه هیات رئیسه شورای مرکزی سازمان مسئولیت گرفت که بر روند جدایی نظارت کند. در مجلس تودیع پراحساسی که به ابتکار دوستان برگزار شد در دو اندوه متقابل اشک بر چشمهای ما جاری کرد.

من همواره فرزندان حقیقی نسل خودم را که در دو جهنم رژیم شاهی و فقاهتی جان برکف برای آماج‌های انسانی رزمیده‌اند ستوده‌ام. آن جا که انسان و انسانیت می‌خواهد سرشت خوب را نمایندگی کند و از حقیقتی دفاع کند و رو در روی رعب نبردی را پیش ببرد، شجاعت ارزش ارزش‌ها می‌شود. بسیاری از یاران من در جنبش فدائیان خلق، در فراز و فرود نبرد رنجبار این جنبش عرضه‌کننده چنین ارزشی بوده‌اند. از همراهی و همکاری طولانیم با آنان که سادگی، رزمندگی و تلاشهای مردمی‌شان فصلی پربار به تاریخ مبارزات مردم ایران افزوده است خرسند هستم. فروتنی فدائیان در برابر حقیقت و آمادگی آنان برای تبادل اندیشه و بهسازی مداوم نظریات خود برای من همواره ارزشمند و ستودنی بوده است. پیوند من با خانواده بزرگ فدائیان بسی ژرفتر از پیوندهای تشکیلاتی و سیاسی است و تا آن جاکه عمری باقی است این پیوند بر دوام خواهد بود.

وظیفه خود می‌دانم که بگویم از همکاران و همرزمان من در رهبری ایدئولوژیک - سیاسی سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) کسی را نمی‌شناسم که در هدف و مقصود سیاسی در خدمت مردم و میهن خویش نبوده باشد. من طی سالیان دراز نبرد مشترک شاهد تلاشهای فراوان این انسانهای فروتن برای تشخیص راه درست خدمت به مردم و میهن بوده‌ام و گواهی می‌دهم که آنان در مبارزه سیاسی باور و اعتقاد خود را پی گرفته‌اند و هرگاه به اشتباهی پی برده‌اند معمولا با از خودگذشتگی و حتی گاه با خودکوبی زیانبار به نقدو انتقاد و اصلاح خویش پرداخته‌اند. وقتی بر متن این دنیای بی‌رحم و در قیاس با ظرفیت‌های فرهنگی مردم ایران می‌سنجم نتیجه می‌گیرم که فدائیان خلق در کل وظیفه خویش را به عنوان انسان‌های متعهد، مردمی و کوشنده انجام داده‌اند و می‌توانند نزد مردم سرفراز باشند. مثل هر کوشنده سیاسی در هرکجای جهان، فدائیان اشتباهات خود را داشته‌اند. اما به دلیل تحرک نسبی آنها در انتقاد از خود و نیز به دلیل محدود بودن دامنه تاثیر سیاسی جنبش فدائیان خلق بر روندهای اصلی سیاسی کشور این اشتباهات نتوانست ابعاد خطرناکی به خود بگیرد.

تصمیم‌گیری در مورد جدایی بسیار دشوار بود. من خود از سازندگان و پرورش‌دهندگان جنبش فدائیان هستم. خون جوانی من در رگ این جنبش جاری است. در طول سالیان دراز مبارزه، فدائی برای من نیز مثل دیگران یک عادت سیاسی و زیستی شده بود. یک زندگی تنیده به هم. کولبار سنگینی از خاطرات که تصویر بازمانده از زندگی ماست همه‌ما همراه است. در جلسه شورا، وقتی که از ضرورت جدایی خودم صحبت می‌کردم، به یاد گفته‌ای از گراهام گرین افتادم که گفت، هر خداحافظی یک مرگ کوچک است. برای من این یک خداحافظی کوچک نبود. جدایی من از این جنبش بسی مهمتر از پیوستن من به آن بود. این دو تصمیم مهمترین تاثیرات را در زندگی من داشته‌و دارند.

جنبش انقلابی سبز جنبشی سیاسی - فرهنگی است. یا می‌تواند باشد. وقتی کسی بخواهد که جنبشی چنین باشد. برای چنین‌بودنش تلاش می‌کند و هویت خود را از همین تلاش می‌گیرد. رفتن رسیدن است. نه به مقصد. که به مقصود. در گزینش جنبش سبز چیزی از خواست عدالت اجتماعی نکاسته‌ام. سوسیالیسم همچون روشنترین راهنمای بهسازی و بازسازی مناسبات اجتماعی یکی از شالوده‌های نظری جنبش سبز انقلابی است. راست این است که کمونیسم بزرگترین عنصر زندگی سیاسی و فرهنگی و معنوی من بود و هست و خواهد بود. من کمونیست هستم. نه در پی‌جویی یک ساختار قدرت، یا در پرستش یک گروه اجتماعی، یا باور به یک دستگاه ایدئولوژیک و فلسفی، بلکه در پایبندی به یک آرزوی ایده‌آلیستی برای بنای جامعه‌ای فرهنگی، دموکرات، سوسیالیست و هماهنگ با طبیعت. من جامعه پایدار جنبش سبز را سرشار از روح کمونیستی می‌دانم. باری، تملک ایده‌آل بسی بیشتر از تملک ماده و مال واقعی و زاینده نیرو و سازندگی است.

من همانگونه‌که از بخشی از عمر خود گذشته‌ام از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) می‌گذرم. با همه آرزوهای نیک از برای بود و بهبود آن. با همه رشته‌های عاطفی و انسانی که نگاه مرا برمی‌گرداند تا ببینم که چه کسی هنوز بر درگاه ایستاده است و به دوستی دستی تکان می‌دهد. دست همرزمان و رفیقان فدائیم را صمیمانه می‌فشارم. از آنان به خاطر هر خطایی که من متوجه سازمان کردم، و به خاطر هر آزردگی و اندوهی که من موجب آن شدم پوزش می‌خواهم.

پس:

همه فدائیان خلق را درود می‌گویم و بدرود!

امیر مومینی

استکهلم، هشتم مارس دوهزار و سه

تاریخ ارائه به شورای مرکزی ۰۳ - ۷ - ۱

اطلاعیه هیات رئیسه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیرامون مصاحبه‌ها و اظهارات اعضای سازمان

یکی از دستاوردهای ارزنده در سازمان ما طی سال‌های اخیر بسط و تعمیق دمکراسی درون سازمانی بوده است.

طی ماه‌های اخیر با حدت‌یابی تحولات سیاسی در منطقه و میهنمان ایران، شاهدافزایش چشمگیر مصاحبه‌ها و اظهار نظرها توسط فعالین سیاسی هستیم‌که به سهم خود مثبت و روشنگرانه است.

اعضای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در همه سطوح، ضمن احترام به اهداف مشترکمان در سازمان، این امکان را دارند تا نظرات خویش را آزادنه بیان نمایند.

یادآور می‌شویم‌که مواضع رسمی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) توسط ارگان‌های سازمانی و به نام آن ارگان‌ها اتخاذ می‌گردد.

هیات رئیسه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۵ ژوئیه ۲۰۰۳